

زور آوران

من چه گویم بهر این زور آوران
در هوای ثروت و قدرت روان
هر یکی خواهد کلای رهبری
با غرور و کبر و با خیره سری
این ندانند ملت محروم و زار
نیستند چون طعمه، بهر شکار
رهبری باشد مقام بس سترگ
هر کس و ناکس نگردد زو بزرگ
کر نداری همت بالنده گی
از تو ناید جز فساد و گنده گی
قدر خود بشناس و پانه در رکاب
تا نگردی مایه، رنج و عذاب
پول امداد در جهان بهر رفا
گشته ارزانی، بیساییم ارتقا
گر کنید تاراج و صرف خویشتن
می خورید گوشت یتیم و بیوه زن
گوش دارید بر ندای جان گداز
مایه، فقر است غرور و حرص و آرز
تا شوی از درد ملت باخبر
(گوش خر بفروش و دیگر گوش خر)
بر شما گوید بری ای سنگدلان
کی شویم با فتنه و جهل درامان